



نگاهی جدید به نوعی از صفت خاص و عام در زبان فارسی

فاطمه حسین پور ماستری^۱

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

عباسعلی وفایی^۲

استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۳

چکیده

با دقت در کتاب‌های دستور زبان فارسی، متوجه این موضوع می‌شویم که اکثر تقسیم‌بندی‌ها در مورد صفت، تکراری و شبیه به هم هستند؛ بنابراین در این پژوهش در حوزه معنایی و با توجه به اختصاص یا عدم اختصاص (عمومیت) صفت به موصوف‌ها، تقسیم‌بندی جدیدی از صفت صورت گرفته است و بر این اساس صفات به دو دسته خاص و عام تقسیم شدند؛ صفات خاص بر اساس اختصاص به حوزه معنایی خاص یا فقط یک موصوف خاص، به دو دسته «خاص نوع ۱» و «خاص نوع ۲» (خاص الخاص) تقسیم می‌شوند. صفات عام نیز بر اساس دامنه شمول تعلق‌پذیری به واژه‌ها (موصوف) به سه دسته «عام کم فعال»، «عام نیمه فعال» و «عام فعال» تقسیم می‌شوند. برای دست‌یابی به مجموعه‌ای از صفات و بررسی و تحلیل آن‌ها، سه رمان «سمفونی مردگان» عباس معروفی، «سووشون» سیمین دانشور و «چشم‌هایش» بزرگ علوی به عنوان جامعه آماری برای استخراج صفات انتخاب شدند و بعد از استخراج، صفات به روش تحلیلی و توصیفی به صفات خاص و عام تقسیم شدند و مجدداً صفات تقسیم شده بر اساس صفات بیانی (ساده/مطلق، فاعلی، مفعولی، نسبی و لیاقت) تقسیم‌بندی شدند و مشخص شد که هر کدام از صفات بیانی به کدام تقسیم‌بندی جدید، اقتران معنایی بیشتری دارد. با توجه به بررسی‌های انجام شده صفات‌های فاعلی بیشتر خاص موصوف‌های کنشگر و دارای اختیار هستند و صفات‌های مفعولی با موصوف‌های کنش‌پذیر و فاقد اختیار همراه می‌شوند. صفات نسبی مخصوصاً زمانی که مفهوم جنسیت را برسانند، خاص حوزه معنایی جمادات هستند. صفات اشاره، مبهم، عدد و... نیز عمومیت دارند و جزء صفات عام به حساب می‌آیند.

واژه‌های کلیدی: صفت خاص، صفت عام، سمفونی مردگان، سووشون، چشم‌هایش.

¹ Email: hosseinpour.fa.1993@gmail.com

(نویسنده مسئول)

² Email: a_a_vafaei@yahoo.com





A New Look at a Kind of Special and General Adjective in Persian Language

Fateme Hoseinpoor Masteri ¹

MA in Persian Language and Literature, University of 'Allame Tabatabaei, Tehran, Iran

'Abbas'ali Vafayi ²

Professor of Persian Language and Literature, University of 'Allame Tabatabaei, Tehran, Iran

Received: 2021/05/13 | Accepted: 2020/11/05

Abstract

Exploring Persian grammar books, we find that most of categorizations of adjectives are repetitive and similar to each other. Focusing on semantics, the present article, offers a new classification according to the assignment or non-assignment (generality) of the adjective to the nouns. Therefore, the adjectives are divided into two specific and general categories; specific adjectives are divided into two special categories (type 1 and special type 2) based on their belonging to a specific semantic domain, or just a to specific adjective. General adjectives are divided into three general categories: less active (based on the scope of belonging to words), semi-active general, and active general. To obtain a set of traits, three novels: *Symphony of the Dead* by 'Abbas Maroufi, *Suvashun* by Simin Daneshvar and *Her Eyes* by Bozorg Alavi were selected to extract the traits. After extracting the traits, the adjectives are classified into the general and the specific. These two categories are, in turn, were divided according to the expressive adjectives (simple (absolute), active, objective, relative, merit). Finally, it was determined which of the expressive adjectives is more close to each of the new divisions. Accordingly, the active adjectives are more close to the active and possessive adjectives, and the passive adjectives are associated with the active and unauthorized adjectives; Relative attributes, especially when they convey the concept of gender, are specific to the semantic domain of inanimate objects. The attributes of gesture, ambiguity, number, etc. are common and are considered as general attributes.

Keywords: Special Adjective, General Adjective, *Symphony of the Dead*, *Suvashun*, *Her Eyes*.

¹ Email: hosseinpoor.fa.1993@gmail.com (Corresponding Author)

² Email: a_a_vafaei@yahoo.com



۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

تقسیم صفت به خاص و عام، نگاهی تازه به تقسیم‌بندی صفت در مقوله دستوری است. در این پژوهش سعی بر این است که تقسیم‌بندی جدیدی از صفت به صفت خاص و عام صورت گیرد و به این منظور با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی سه رمان «سمفونی مردگان»، «سووشون» و «چشم‌هایش» بررسی می‌شود و تمام ترکیبات وصفی این سه رمان استخراج می‌گردد تا به عنوان جامعه آماری در تقسیم‌بندی جدید مورد استفاده قرار گیرند و مشخص شود صفات خاص و عام در بین کدام صفات بسامد بیشتری دارند.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهش‌های دستوری زبان فارسی نسبت به ادبیات بسیار اندک و ناچیز است و اغلب پژوهش‌های زبان فارسی در روزگار ما رویکرد تطبیقی دارد و متأثر از دیگر زبان‌ها به ویژه زبان انگلیسی است. ضرورت پرداخت به تحقیق‌های زبانی در رشته زبان و ادبیات فارسی، امری بدیهی است. با دقت در تحقیقات انجام شده در مقوله‌های دستوری می‌توان یافت که سهم این مقوله با دیگر مقوله‌ها یکسان نیست. پژوهش در فعل و اسم به مراتب بیش از دیگر مقوله‌های دستوری زبان فارسی است. مقوله دستوری صفت در موضوعات محدودی بررسی شده و اغلب نیز تکراری و عاری از بیان اندیشه‌های تازه و جدید است؛ به همین منظور در این پژوهش بر آن هستیم که موضوع صفت‌های خاص و عام را بررسی کنیم.

۱-۳. پیشینه تحقیق

قبل از طرح موضوع لازم است به بررسی کتاب‌های دستور در این خصوص بپردازیم تا معلوم شود که آیا در تعریف و تقسیم صفت به این موضوع توجه شده است یا خیر؛ با بررسی کتاب‌ها و پژوهش‌های دستور زبان فارسی درمی‌یابیم که صفت از سه منظر نوع ساخت صفت (ساختمان صفت)، تقدم و تأخر صفت (پیشین و پسین) و معنایی (صفات

بیانی) تقسیم شده است. مقوله صفت در زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی اهمیت و کاربرد فراوانی دارد که برای شناساندن بهتر اسم (موصوف) مورد نظر و روشن شدن هر چه بیشتر مطلب و بیان هر چه بهتر مقصود به مخاطب مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این جا تعریف صفت در چند کتاب مهم در زمینه دستور زبان فارسی بیان می‌شود:

۱-۳-۱. تعریف صفت

«صفت حالت و مقدار و شماره یا یکی از چگونگی‌های اسم را می‌رساند و... اسمی که صفت درباره آن توضیحی می‌دهد موصوف نامیده می‌شود» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۳: ۱۷۲-۱۳۷). خیام‌پور در فصل دوم دستور زبان فارسی، صفت را این گونه تعریف می‌کند: «صفت کلمه‌ای است که به خصوص برای مقید کردن اسم وضع شده باشد و به عبارت دیگر برای بیان چگونگی اسم باشد؛ مثال: خوب، سفید، این، دو و امثال آن‌ها. زیرا گفته می‌شود: کتاب خوب، دیوار سفید، این کتاب، دو مداد» (خیام‌پور، ۱۳۴۷: ۴۶). ناتل خانلری صفت را این گونه تعریف می‌کند: «صفت کلمه‌ای است که توضیحی به معنی اسم می‌افزاید و بنابراین وابسته اسم است» (ناتل خانلری، ۱۳۸۴: ۱۷۹). «صفت کلمه‌ای است غیر از اسم که همراه اسم یا گروه اسمی می‌آید و معنی آن را مقید می‌کند و توضیحی درباره آن می‌دهد. مانند: این کتاب، کار بسیار، کدام کتاب؟» (فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۲۵۴-۲۵۲). «صفت واژه‌ای است که ویژگی را به موصوف نسبت می‌دهد. این ویژگی ممکن است شمار، مقدار، حالت، کیفیت یا وصف دیگر باشد» (وفایی، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

۱-۳-۲. ساختمان صفت

صفت از نظر ساختمان را به چهار گروه تقسیم می‌شود:

الف) صفت ساده: آن است که فقط یک تکواژ داشته باشد: روشن، تاریک، خوب، بد، زشت، پاک، سیاه، سفید، کامل، ناقص، بلند، کوتاه، زنده، خوش، مطلوب، محفوظ، مظلوم، مؤدب، خشن، ساکت، شلوغ، تنبل، زرننگ، جدی، فعال.

ب) صفت مرکب: از دو یا چند تکواژ آزاد یا مستقل ساخته می‌شود: جوانمرد، خوش سیما، روشن دل، سرخ‌رو، سفیدبخت، مهماندوست، خودرأی، هنرپیشه، سربلند،

همه فن حریف، چندپهلوی، چهار گوش، گل چهره، ماهرو، خوش فکر، روشن فکر، دل نازک، کمان ابرو.

پ) صفت مشتق: صفتی است که در ساختمان آن دست کم یک تکواژ وابسته بیاید: خردمند، بیکار، تلفنچی، شادمان، باهوش، همزیان، بی همزیان، ناوارد، غمگین، ترسناک، تلخ و ش، سردسیر، بلاعوض، مهربان، دربان، بی آبرو، توانا، آشفته، فروشنده، خریدار.

ت) صفت مشتق - مرکب: آن است که ویژگی‌های مرکب و مشتق را با هم دارد: سرخ و سفید، چهار گوشه، چاق و چله، دست و دل باز، خوش آب و رنگ، خوش آب و هوا، خانه به دوش، رویاروی، لبالب، سرتاسری، سراسری، بی دردسر، پررفت و آمد، دست و پاگیر، نخود هر آش، دوساله» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۲: ۸۴-۶۹).

۱-۳-۳. کاربرد صفت از نظر تقدم و تأخر به اسم (موصوف)

صفت را از این جهت که پس از موصوف خود می‌آید یا پیش از آن، بر دو دسته می‌توان تقسیم کرد: صفات پسین، صفات پیشین. «صفات بیانی به جز موارد نادر معمولاً پس از موصوف خود می‌آید، از این رو آن را می‌توان از صفات پسین به حساب آورد: کتاب خوب، دوست مهربان، روزهای آینده، روزگار گذشته، آب روان و... برعکس، صفات اشاره، شمارشی، پرسشی، تعجبی و مبهم جز موارد استثنایی پیش از موصوف می‌آیند؛ بدان جهت آن‌ها را صفات پیشین می‌توان شمرد: این کتاب، سه کتاب، کدام کتاب؟ هر کتاب، چه کتابی!» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۳: ۱۷۲-۱۳۷).

۱-۳-۴. تقسیم‌بندی صفت از حیث معنایی

صفت را از حیث معنایی اغلب در کتاب‌های دستوری به فاعلی، مفعولی، نسبی و لیاقت تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ صفت بیانی پنج گونه است: صفت ساده (مطلق)، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت نسبی، صفت لیاقت.

«صفت مطلق، صفتی است که ویژگی موصوف خود را بدون معنی فاعلی، مفعولی، نسبی، لیاقت، و جز آن می‌رساند و از آن جهت که رها از ویژگی فاعلی، مفعولی، نسبی و لیاقت است «مطلق» خوانده می‌شود؛ مانند: شب تاریک، انسان خوب، قلب پاک، مادر

عزیز. صفت فاعلی، انجام کاری را به موصوف خود نسبت می‌دهد و موصوف را به فاعلیت منسوب می‌کند؛ مانند: مرد راننده ← مردی که ماشین می‌راند / مرد نالان ← مردی که می‌نالد / شخص خریدار ← شخصی که می‌خرد. صفت مفعولی، وقوع کاری را در مفهوم مفعولی به موصوف خود نسبت می‌دهد؛ مانند: دیده، عقب‌مانده و... صفت نسبی، صفتی است که موصوف خود را به کسی یا مکانی یا چیزی منسوب کند؛ مانند: تهرانی، سیاهی، راستین و... صفت لیاقت، صفتی است که شایستگی و لیاقت موصوف را در امری می‌رساند؛ مانند: خوردنی، ماندگار، شاهوار و...» (وفایی، ۱۳۹۲: ۲۰۳-۱۹۶).

با بررسی کتاب‌های دستور زبان فارسی متوجه این مطلب می‌شویم که در اغلب این کتاب‌ها تقسیم‌بندی از صفت تقریباً مشابه و تکراری می‌باشند و البته با اندک تفاوت‌هایی در محتوا بیان شده است؛ بنابراین در ادامه قصد داریم تا تقسیم‌بندی جدیدی از صفت به خاص و عام، مشخص کنیم. تقسیم صفت به خاص و عام، نگاهی تازه به تقسیم‌بندی صفت در مقوله دستوری است که در کتاب‌های دستور زبان فارسی در این باره سخنی به میان نیامده است. همچنین در این پژوهش به بررسی ویژگی صفت‌های خاص و عام، تخصیص صفت و بسامد صفت‌های خاص در حوزه مورد مطالعه ما یعنی رمان‌های سمفونی مردگان، سووشون و چشمهایش خواهیم پرداخت.

۱-۳-۴-۱. حوزه معنایی

«حوزه معنایی Semantic Field یا حوزه قاموسی Lexical Field همان مجموعه‌ای از کلمه‌ها هستند که دلالت آن‌ها به هم ارتباط دارد و معمولاً تحت واژه عامی که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، جای می‌گیرند؛ مانند: رنگ‌ها که اصطلاح عام «رنگ» شامل واژگانی چون: «سرخ، آبی، زرد، سبز، سفید و...» می‌گردد. اولمان آن را چنین تعریف کرده است: مجموعه کاملی از واژگان زبانی که بیانگر حوزه مشخصی از تجربه می‌باشد. لاینز می‌گوید: مجموعه‌ای جزئی از واژگان زبان (ر.ک: مختار عمر، ۱۳۸۵: ۷۳). نمونه‌هایی از حوزه‌های معنایی: ریاضی، ادبیات، نجوم و...، سالم؛ تندرست، توانا و...؛ قطار، مترو، اتوبوس و...؛ طلا، نقره، جواهر و...؛ خانه، کلبه، اتاق و...؛ دست، پا، سر و...»

اولمان حوزه‌ها را به سه نوع تقسیم کرده است:

- حوزه‌های محسوس و مرتبط؛ مثل نظام رنگ‌ها در زبان‌ها. مجموعه رنگ‌ها به هم پیوسته‌اند و می‌توان آن‌ها را به شیوه‌های مختلفی تقسیم نمود. زبان‌ها نیز در این تقسیم‌بندی عملاً متفاوت عمل می‌کنند.

- حوزه‌های محسوس با عناصر از هم گسسته؛ مثل نظام روابط خانوادگی. این نظام دارای عناصری است که در جهان غیرزبانی واقعاً جدا هستند. این حوزه‌ها همچون حوزه‌های پیشین می‌توانند به شیوه‌های متنوعی با معیارهای متفاوتی تقسیم‌بندی شوند.

- حوزه‌های تجربیدی [انتزاعی]؛ مثل واژگان فکری. این حوزه از دو حوزه محسوس - با توجه به اهمیت اساس زبان در تشکیل تصورات تجربیدی - مهم‌تر به‌شمار می‌آید.

تریر Trier نیز معتقد است حوزه‌های زبانی از هم جدا نیستند، بلکه به هم پیوسته‌اند تا به نوبه خود حوزه‌های بزرگ‌تری را تشکیل دهند تا این که تمام واژگان گردآوری شوند. طبعاً می‌توانیم حوزه شغل و حرفه، ورزش، تعلیم و تربیت و... را تخصصی نماییم و سپس تمام این حوزه‌ها را تحت یک حوزه که شامل همه آن‌ها گردد یعنی فعالیت انسانی، گردآوریم. چنین حوزه‌های گردآمده در حوزه‌ای بزرگ‌تر، مانع تبادل در حوزه عام نمی‌گردند. چه بسا مانع تبادل بین برخی از حوزه‌ها هم نگردد. اما چیزی وجود دارد که مانع تبادل می‌گردد، مثل حوزه حیوانات با حوزه مصنوعات. اگر چیزی به حوزه حیوانات وابسته باشد، به حوزه مصنوعات وابسته نیست. عکس این مطلب هم درست می‌باشد (همان: ۹۴-۹۳).

واژگان مختلف را می‌توان با معیارهای متفاوت در کنار هم به عنوان یک حوزه معنایی قرارداد که وابسته‌های زبانی خاص خود را دارند؛ بنابراین این حوزه‌ها صفات خاص به خود را می‌گیرند که از این نظر، این صفات، صفات خاص آن حوزه معنایی می‌باشد؛ به این مثال‌ها توجه کنید: اهلی، وحشی، پژمرده، سفت، عاقل، مومن، خوشحال و... صفات اهلی و وحشی خاص حوزه معنایی حیوانات: سگ، بز، اسب، قو، میمون و... است و این صفات در حوزه معنایی دیگر به کار نمی‌رود. می‌توانیم این حوزه را به حوزه‌های کوچک‌تری تقسیم کنیم؛ برای مثال: حیوانات آبی که خود صفت «آبی» صفت خاص این حوزه

معنایی است. صفت «پژمرده» به عنوان صفت خاص در حوزه معنایی گیاهان: گل، گیاه، درخت و... به کار می‌رود. صفت «سفت»، صفت خاص حوزه معنایی جامدات محسوب می‌شود و با اسامی مانند: سنگ، آهن، سیمان، گچ و... به کار می‌رود. صفات عاقل، مومن، خوشحال و ویژه حوزه معنایی انسان است که شامل: زن، مرد، دختر، پسر و... می‌شود.

با بررسی صفات زبان فارسی مشخص می‌شود که صفات خاص عمدتاً با اسم‌های کنشگر به کار می‌رود؛ مانند: استاد ماهر، مرد دانشمند، پزشک حاذق، دانشجوی عاقل، معلم توانا، دختر خوشحال، انسان آگاه، اسب تندرو، مرکب چالاک و... سامی کنشگر بیشتر صفات فاعلی به خود می‌گیرند، ولی صفات مفعولی معمولاً با اسامی کنش پذیر به کار می‌رود؛ مانند: کتاب خوانده شده، نامه نوشته شده، مجسمه تراش خورده، آب ریخته شده، لباس پاره شده، خانه ساخته شده، فرش بافته شده و... بنابراین بین نوع صفت و صفت خاص یا عام ارتباط معنایی وجود دارد.

ممکن است گاهی یک صفت خاص که وابسته به موصوفی خاص است، در تحول معنایی یا بسط معنایی و استعاری با اسامی (موصوف‌ها) دیگر نیز استفاده شود؛ به عبارتی، صفت عاریتی است ولی به دلیل استعمال زیاد همراه موصوف‌های دیگر به زبان معیار راه یافته است؛ برای مثال، صفت «سفت» که برای شاخه معنایی جامدات مورد استفاده قرار می‌گیرد با تحول معنایی به انسان نیز تعلق می‌گیرد و در معنای «خسیس» استفاده می‌شود؛ یا صفت «گران» و «خروشان» که برای شاخه معنایی جانداران است، به رودخانه، دریا، آسمان و... اطلاق می‌گردد؛ یا این که ممکن است در یک ترکیب وصفی، از صفت مخصوص حوزه معنایی دیگر استفاده شود؛ مانند: چشم افسون‌گر که در واقع این صفات با بسط استعاری به موصوف‌های دیگر داده شده‌اند و در واقع خاص همان حوزه معنایی هستند، اما به دلیل کثرت استعمال در زبان معیار به کار گرفته می‌شوند. از این رو گاهی از روی صفات می‌توان پی برد که موصوف در یک حوزه معنایی خاصی قرار دارد و در واقع به قرینه صفت متوجه نوع حوزه معنایی موصوف می‌شویم.

۲. صفت خاص

صفتی است که ویژگی خاص موصوف را می‌رساند و در زبان عادی و رسمی قابل

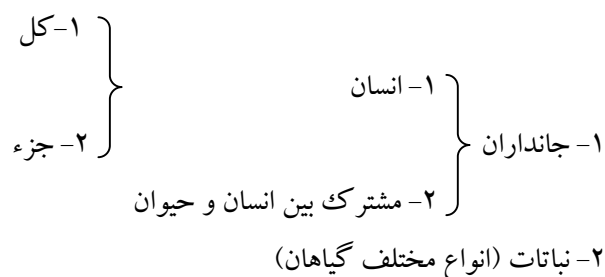
تسری به دیگر موصوف‌ها نیست و این صفت، فعل خاص اسامی است. به این مثال‌ها دقت کنید: انسان آگاه، انسان بامروت، ابر باران‌زا، گل پژمرده و... این صفت‌ها، خاص موصوف‌هایی است که با آن‌ها آمده‌است؛ به نوعی فعل آن‌ها نیز هست؛ این قسمت از صفت‌ها در زبان فارسی چندان گسترده نیستند و مشخص نیست که بسامد به کارگیری آن‌ها نیز به چه حدی در متون فارسی است. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان صفت خاص را به دو گروه تقسیم کرد:

۱-۲. خاص نوع ۱

این نوع صفت، خاص موصوف‌هایی است که در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند؛ یعنی این صفات همواره در زبان معیار با موصوف‌هایی از یک حوزه معنایی همراه می‌شوند؛ برای مثال: صفاتی مانند آگاه، متفکر، با ایمان، پرحرف، صادق، بزرگوار، محجوب و... مخصوص به حوزه معنایی انسان می‌شوند و در زبان معیار به حوزه‌های دیگر قابل تسری نیست: مرد آگاه، زن آگاه، دختر آگاه، پسر آگاه و...؛ ولی صفت «آگاه» به سنگ یا چوب یا ساختمان و... اختصاص نمی‌یابد و نمی‌گوییم: سنگ آگاه، چوب آگاه یا ساختمان آگاه.

صفت «پژمرده» اختصاص به حوزه معنایی گیاهان دارد؛ مانند: گل پژمرده، گیاه پژمرده، علف پژمرده و... و گفته نمی‌شود: شال پژمرده، ساعت پژمرده، کیف پژمرده و... یا صفت «پشمی» فقط به موصوف‌هایی اختصاص می‌یابد که از جنس پشم باشند و نمی‌شود که همراه با موصوف‌های دیگر که از جنس پشم نیستند، بیاید؛ مثلاً: لباس پشمی، دستکش پشمی، شال پشمی، جوراب پشمی و... .

در تقسیم‌بندی صفت خاص نوع ۱، صفات خاص هر حوزه معنایی به صورت جداگانه تقسیم‌بندی می‌شوند:



۳- جمادات (شامل: پدیده‌های طبیعی، اشیاء، مکان، زمان، غذا و خوراکی، پوشاک، وسایل نقلیه، دست‌آوردهای انسانی، مفاهیم و...).

۲-۲. خاص نوع ۲ (خاص الخاص)

این نوع صفت فقط با یک موصوف خاص می‌آید و هیچ موصوف دیگری در زبان معیار قابل تسری نیست؛ مانند: پول توجیبی، چای قندپهللو، عینک ذره‌بینی و... .

۳. صفت عام

صفتی است که با موصوف‌های گوناگون به کار می‌رود و ممکن است در آغاز، برخی از این صفت‌ها حکم صفت خاص برای موصوف خاصی را داشته باشد، اما به گذر زمان تعمیم یافته است و با موصوف‌های دیگر به کار رفته است. خود این صفت‌ها نیز از جهاتی قابل تقسیم است. به مثال زیر دقت کنید:

(مرد خوب/ بد، هوای خوب/ بد، دوست خوب/ بد و...) یا (پول کم/ زیاد، غذای کم/ زیاد، صدای کم/ زیاد).

چنانچه دیده می‌شود این صفت‌ها با بیشتر اسم‌ها به کار می‌رود؛ البته نکته قابل تأمل در مورد صفات عام آن است که با توجه به تحول معنایی که یکی از تغییرات زبانی است که در سطح واژه‌ها رخ می‌دهد و در واقع حفظ شکل ظاهری واژه و تغییر معنای نخستین و پذیرش معنایی تازه است، صفات عام در بافت زبانی با موصوف‌های متفاوت، معانی مختلفی به خود می‌گیرند؛ برای مثال: معنی «خوب» در ترکیب وصفی «مرد خوب» با «کاغذ خوب» و «ماشین خوب» متفاوت است. «همه کار کردهای زبان واجد بافت‌اند. خصوصیات «متنی» سبب می‌شود که گفتمان نه تنها در خودش بلکه در ارتباط با بافت موقعیتش دارای پیوستگی باشد» (هالیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۲۳). این دیدگاه هالیدی، قابل تسری به صفت به عنوان یک مقوله زبانی نیز است و صفات عام در ترکیبات وصفی متفاوت معانی مختلفی به خود می‌گیرند؛ برای مثال: صفت عام «زیبا» در ترکیب وصفی «مرد زیبا» از نظر بار معنایی متفاوت است با «گل زیبا»، «دختر زیبا»، «سنگ زیبا»، «افکار زیبا» و...؛ یا صفت عام «ساده»

در ترکیب‌های مختلف بار معنایی خاص خود را دارد مثلاً «ساده» در ترکیب‌های وصفی مانند: انسان ساده، خانه ساده، زندگی ساده، لباس ساده و... با هم متفاوت است. صفت عام از حیث کارکرد به سه گروه: کم فعال (کم کاربرد)، نیمه فعال (با کاربرد متوسط)، فعال (پر کاربرد) تقسیم می‌شود:

۳-۱. صفات عام کم فعال (کم کاربرد)

این صفات برای اسامی محدود قابل استفاده هستند که به یک حوزه معنایی مربوط نمی‌شود؛ برای مثال: (آب خنک، نوشیدنی خنک، نسیم خنک، هوای خنک و...) یا (حیوان وحشی، گیاه وحشی، گل وحشی، انسان وحشی، طبیعت وحشی و...).

۳-۲. صفات عام نیمه فعال (با کاربرد متوسط)

صفاتمانند: سبک، آرام، تند، ملایم، پوسیده، ظریف، تاریک، روشن و... با تعدادی اسم‌ها (موصوف) با جامعه آماری متوسط می‌آیند که در مقایسه با صفات عام فعال کم‌تر هستند؛ برای نمونه: (جعبه سبک، دفتر سبک، لباس سبک، کتاب سبک و...) یا (انسان آرام، فرد آرام، محیط آرام، ذهن آرام، زندگی آرام و...).

۳-۳. صفات عام فعال (پر کاربرد)

صفاتمانند زیبا، زشت، خوب، بد، کوچک، بزرگ، سفید، سیاه، جدید، کهنه، متنوع و... با اغلب موصوف‌ها به کار می‌روند؛ بنابراین در زبان فارسی جزء صفات عام فعال محسوب می‌شوند؛ مانند: (گل زیبا/ زشت، باغ زیبا/ زشت، نقاشی زیبا/ زشت، رویای زیبا/ زشت، روسری زیبا/ زشت و...).

۴. بررسی صفات سه رمان «سمفونی مردگان»^۱، «سووشون»^۲ و

«چشم‌هایش»^۳

به منظور بررسی دقیق‌تر تقسیم صفات خاص و عام و دسترسی به جامعه آماری برای مطالعه و تحلیل صفات، سه رمان «سمفونی مردگان» عباس معروفی، «سووشون» سیمین

دانشور و «چشم‌هایش» بزرگ علوی انتخاب شد و صفات موجود در این سه رمان استخراج گشت و ابتدا در قالب تقسیم‌بندی جدید خاص و عام قرار گرفتند و سپس مجدداً در قالب صفات بیانی تقسیم شدند که به شرح زیر است:

۴-۱. سمفونی مردگان

در رمان «سمفونی مردگان» جمعاً ۱۶۶۲ ترکیب وصفی استخراج شد که ۹۱۱ صفت (۵۴/۸۱ درصد) صفت آن تکراری بود؛ مجموع ۷۵۱ صفت (۴۵/۱۸ درصد) غیر تکراری به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

صفت خاص نوع ۱: ۱۹۲ صفت (۲۵/۵۶ درصد):

- جاندار - انسان (کل): ۹۹ صفت (۵۱/۵۶ درصد): مطلق (ساده): ۱۹ صفت (۱۹/۱۹ درصد) // فاعلی: ۵۶ صفت (۵۶/۵۶ درصد) // مفعولی: ۱۴ صفت (۱۴/۱۴ درصد) // نسبی: ۱۰ صفت (۱۰/۱۰ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جاندار - انسان (جزء): ۱۳ صفت (۶/۷۷ درصد): مطلق (ساده): ۳ صفت (۲۳/۰۷ درصد) // فاعلی: ۳ صفت (۲۳/۰۷ درصد) // مفعولی: ۳ صفت (۲۳/۰۷ درصد) // نسبی: ۴ صفت (۳۰/۷۶ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جاندار - مشترک بین انسان و حیوان: ۳۸ صفت (۱۹/۷۹ درصد): مطلق (ساده): ۱۸ صفت (۴۷/۳۶ درصد) // فاعلی: ۱۲ صفت (۳۱/۵۷ درصد) // مفعولی: ۷ صفت (۱۸/۴۲ درصد) // نسبی: ۱ صفت (۲/۶۳ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- نباتات (گیاهان مختلف): ۱ صفت (۰/۵۲ درصد): مطلق (ساده): ۱ صفت (۱۰۰ درصد) // فاعلی: ۰ صفت (۰ درصد) // مفعولی: ۰ صفت (۰ درصد) // نسبی: ۰ صفت (۰ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جمادات: ۴۱ صفت (۲۱/۳۵ درصد): مطلق (ساده): ۶ صفت (۱۴/۶۳ درصد) // فاعلی: ۰ صفت (۰ درصد) // مفعولی: ۱۲ صفت (۲۹/۲۶ درصد) // نسبی: ۲۳ صفت (۵۶/۰۹ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

صفت خاص نوع ۲: ۲۵ صفت (۳/۳۲ درصد): مطلق (ساده): ۶ صفت (۲۴ درصد) / فاعلی: ۲ صفت (۸ درصد) / مفعولی: ۴ صفت (۱۶ درصد) / نسبی: ۱۳ صفت (۵۲ درصد) / لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

عام کم فعال: ۲۵۳ صفت (۳۳/۶۸ درصد): مطلق (ساده): ۶۹ صفت (۲۷/۲۷ درصد) / فاعلی: ۳۳ صفت (۱۳/۰۴ درصد) / مفعولی: ۶۰ صفت (۲۳/۷۱ درصد) / نسبی: ۸۳ صفت (۳۲/۸۰ درصد) / لیاقت: ۸ صفت (۳/۱۶ درصد).

عام نیمه فعال: ۲۱۰ صفت (۲۷/۹۶ درصد): مطلق (ساده): ۷۴ صفت (۳۵/۲۳ درصد) / فاعلی: ۳۵ صفت (۱۶/۶۶ درصد) / مفعولی: ۳۷ صفت (۱۷/۶۱ درصد) / نسبی: ۶۳ صفت (۳۰ درصد) / لیاقت: ۱ صفت (۰/۴۷ درصد).

عام فعال: ۷۱ صفت (۹/۴۵ درصد): مطلق (ساده): ۴۹ صفت (۶۹/۰۱ درصد) / فاعلی: ۹ صفت (۱۲/۶۷ درصد) / مفعولی: ۱ صفت (۱/۴۰ درصد) / نسبی: ۱۱ صفت (۱۵/۴۹ درصد) / لیاقت: ۱ صفت (۱/۴۰ درصد).

با توجه به تقسیم‌بندی صفات در رمان سمفونی مردگان، صفات فاعلی بیشتر زیرمجموعه صفات خاص جاندار و مخصوصاً جاندار - انسان (کل) قرار می‌گیرد و صفت مفعولی بیشتر در حوزه معنایی جمادات قرار می‌گیرد که فاقد اراده و اختیار هستند؛ البته هرگاه جانداران در نقش کنش‌پذیر قرار بگیرند، صفت مفعولی می‌تواند با آن‌ها همراه شود. همچنین با توجه به تقسیم‌بندی صفات و آمار مشخص شده، در میان صفات عام در رمان سمفونی مردگان، سهم صفت عام کم فعال و نیمه فعال به نسبت عام فعال به مراتب بیشتر است؛ و طبق آمار صفات اشاره، مبهم، عدد و... همراه همه اسامی (موصوف‌ها) می‌آیند.

۴-۲. سووشون

در رمان «سووشون» جمعاً ۳۰۰۶ ترکیب وصفی استخراج شد که ۲۳۳۱ صفت (۷۷/۵۴ درصد) آن تکراری بود؛ مجموع ۶۷۵ صفت (۲۲/۴۵ درصد) غیر تکراری به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

خاص نوع ۱: ۲۰۴ صفت (۳۰/۱۳ درصد):

- جاندار - انسان (کل): ۱۰۵ صفت (۵۱/۷۲ درصد): مطلق (ساده): ۲۰ صفت (۱۹/۰۴ درصد) / فاعلی: ۵۴ صفت (۵۱/۴۲ درصد) / مفعولی: ۱۸ صفت (۱۷/۱۴ درصد) / نسبی: ۱۳ صفت (۱۲/۳۸ درصد) / لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جاندار - انسان (جزء): ۱۱ صفت (۵/۴۱ درصد): مطلق (ساده): ۴ صفت (۳۶/۳۶ درصد) / فاعلی: ۱ صفت (۹/۰۹ درصد) / مفعولی: ۵ صفت (۴۵/۴۵ درصد) / نسبی: ۱ صفت (۹/۰۹ درصد) / لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جاندار - مشترک بین انسان و حیوان: ۴۶ صفت (۲۲/۶۶ درصد): مطلق (ساده): ۱۱ صفت (۳۶/۹۵ درصد) / فاعلی: ۱۱ صفت (۲۳/۹۱ درصد) / مفعولی: ۱۷ صفت (۳۶/۹۵ درصد) / نسبی: ۷ صفت (۱۵/۲۱ درصد) / لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- نباتات (گیاهان مختلف): ۶ صفت (۲/۹۵ درصد): مطلق (ساده): ۲ صفت (۳۳/۳۳ درصد) / فاعلی: ۰ صفت (۰ درصد) / مفعولی: ۴ صفت (۶۶/۶۶ درصد) / نسبی: ۰ صفت (۰ درصد) / لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جمادات: ۳۵ صفت (۱۷/۲۴ درصد): مطلق (ساده): ۶ صفت (۱۷/۱۴ درصد) / فاعلی: ۲ صفت (۵/۷۱ درصد) / مفعولی: ۸ صفت (۲۲/۸۵ درصد) / نسبی: ۱۹ صفت (۵۴/۲۸ درصد) / لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

خاص نوع ۲: ۱۶ صفت (۲/۳۷ درصد): مطلق (ساده): ۷ صفت (۴۳/۷۵ درصد) / فاعلی: ۳ صفت (۱۸/۷۵ درصد) / مفعولی: ۳ صفت (۱۸/۷۵ درصد) / نسبی: ۳ صفت (۱۸/۷۵ درصد) / لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

عام کم فعال: ۲۴۴ صفت (۳۶/۱۴ درصد): مطلق (ساده): ۵۰ صفت (۲۰/۴۹ درصد) / فاعلی: ۴۱ صفت (۱۶/۸۰ درصد) / مفعولی: ۶۱ صفت (۲۵ درصد) / نسبی: ۸۹ صفت (۳۶/۴۷ درصد) / لیاقت: ۳ صفت (۱/۲۲ درصد).

عام نیمه فعال: ۱۶۵ صفت (۲۴/۴۴ درصد): مطلق (ساده): ۷۱ صفت (۴۳/۰۳ درصد) / فاعلی: ۱۶ صفت (۹/۶۹ درصد) / مفعولی: ۲۴ صفت (۱۴/۵۴ درصد) / نسبی: ۵۴ صفت (۳۲/۷۲ درصد) / لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

عام فعال: ۴۷ صفت (۶/۶۹ درصد): مطلق (ساده): ۳۲ صفت (۶۸/۰۸ درصد)/ فاعلی: ۵ صفت (۱۰/۶۳ درصد)/ مفعولی: ۳ صفت (۶/۳۸ درصد)/ نسبی: ۷ صفت (۱۴/۴۹ درصد)/ لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

تقسیم‌بندی صفات در رمان سووشون، همان نتیجه تقسیم‌بندی در رمان سمفونی مردگان را دارد؛ یعنی در تقسیم‌بندی، صفات فاعلی در اغلب موارد با اسامی کنشگر و دارای اراده همراه شده بودند و صفات مفعولی هم، همان‌گونه که در رمان سمفونی مردگان مشخص شد، اغلب با موصوف‌های کنش‌پذیر همراه می‌شوند و صفات نسبی، به‌ویژه زمانی که مفهوم جنسیت را دربرداشته باشند، خاص حوزه معنایی جمادات هستند. صفات عام کم فعال و نیمه فعال طبق تقسیم‌بندی سهم بیشتری را نسبت به عام فعال دارند. همچنین در این رمان صفات اشاره، مبهم، عددی، پرسشی و... با همه اسامی زبان فارسی ترکیب وصفی می‌سازند.

۳-۴. چشم‌هایش

در رمان «چشم‌هایش» جمعاً ۲۷۵۰ ترکیب وصفی استخراج شد که ۲۰۴۶ صفت (۷۴/۴۰ درصد) آن تکراری بود؛ مجموع ۷۰۴ صفت (۲۵/۶۰ درصد) غیر تکراری به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

خاص نوع ۱: ۱۹۲ صفت (۲۷/۲۷ درصد):

- جاندار - انسان (کل): ۱۲۸ صفت (۶۶/۶۶ درصد): مطلق (ساده): ۱۳ صفت (۱۰/۱۵ درصد) در صد/ فاعلی: ۸۶ صفت (۶۷/۱۸ درصد)/ مفعولی: ۲۷ صفت (۲۱/۰۹ درصد)/ نسبی: ۲ صفت (۱/۵۶ درصد)/ لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جاندار - انسان (جزء): ۴ صفت (۲/۰۸ درصد): مطلق (ساده): ۱ صفت (۲۵ درصد)/ فاعلی: ۱ صفت (۲۵ درصد)/ مفعولی: ۲ صفت (۵۰ درصد)/ نسبی: ۰ صفت (۰ درصد)/ لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جاندار - مشترک بین انسان و حیوان: ۴۴ صفت (۲۲/۹۱ درصد): مطلق (ساده): ۹

صفت (۲۰/۴۵ درصد)/ فاعلی: ۲۳ صفت (۵۲/۲۷ درصد)/ مفعولی: ۱۲ صفت (۲۷/۲۷ درصد)/ نسبی: ۰ صفت (۰ درصد)/ لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

– نباتات (گیاهان مختلف): ۰ صفت (۰ درصد): ساده (مطلق): ۰ صفت (۰ درصد)/ فاعلی: ۰ صفت (۰ درصد)/ مفعولی: ۰ صفت (۰ درصد)/ نسبی: ۰ صفت (۰ درصد)/ لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

– جمادات: ۱۶ صفت (۸/۳۳ درصد): مطلق (ساده): ۴ صفت (۲۵ درصد)/ فاعلی: ۱ صفت (۶/۲۵ درصد)/ مفعولی: ۵ صفت (۳۱/۲۵ درصد)/ نسبی: ۶ صفت (۳۷/۵۰ درصد)/ لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

خاص نوع ۲: ۶ صفت (۰/۸۵ درصد): مطلق (ساده): ۴ صفت (۶۶/۶۶ درصد)/ فاعلی: ۰ صفت (۰ درصد)/ مفعولی: ۱ صفت (۱۶/۶۶ درصد)/ نسبی: ۱ صفت (۱۶/۶۶ درصد)/ لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

عام کم فعال: ۲۷۴ صفت (۳۸/۹۲ درصد): مطلق (ساده): ۹۴ صفت (۳۴/۳۰ درصد)/ فاعلی: ۳۸ صفت (۱۳/۸۶ درصد)/ مفعولی: ۵۴ صفت (۱۹/۷۰ درصد)/ نسبی: ۷۷ صفت (۲۸/۱۰ درصد)/ لیاقت: ۱۱ صفت (۴/۰۱ درصد).

عام نیمه فعال: ۱۷۰ صفت (۲۴/۱۴ درصد): مطلق (ساده): ۷۶ صفت (۴۴/۷۰ درصد)/ فاعلی: ۲۲ صفت (۱۲/۹۴ درصد)/ مفعولی: ۲۴ صفت (۱۴/۱۱ درصد)/ نسبی: ۴۶ صفت (۲۷/۰۵ درصد)/ لیاقت: ۲ صفت (۱/۱۷ درصد).

عام فعال: ۶۶ صفت (۹/۳۷ درصد): مطلق (ساده): ۴۵ صفت (۶۸/۱۸ درصد)/ فاعلی: ۱۰ صفت (۱۵/۱۵ درصد)/ مفعولی: ۵ صفت (۷/۵۷ درصد)/ نسبی: ۶ صفت (۹/۰۹ درصد)/ لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

طبق آمار صفات استخراج شده از رمان چشم‌هایش، صفات فاعلی در این رمان نیز مانند دو رمان دیگر اغلب همراه اسامی کنشگر و دارای اراده و اختیار می‌آید و صفات مفعولی با موصوف‌های کنش‌پذیر همراه می‌شود. صفات نسبی هم هر زمان مفهوم جنسیت را در بر داشته باشند، اغلب با موصوف‌های حوزه معنایی جمادات همراه می‌شوند. صفات

عام فعال در این رمان نیز به نسبت دو گروه کم فعال و نیمه فعال سهم کمتری را به خود اختصاص می‌دهند و صفات اشاره، مبهم، عدد و... جزء این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند. در سه رمان «سمفونی مردگان، سووشون و چشم‌هایش» جمعاً ۷۴۱۸ ترکیب وصفی استخراج شد که ۵۲۸۸ صفت (۷۱/۲۸ درصد) آن تکراری بود؛ مجموع ۲۱۳۰ صفت (۲۸/۷۱ درصد) غیر تکراری به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

خاص نوع ۱: ۵۸۷ صفت (۲۷/۵۵ درصد):

- جاندار- انسان (کل): ۳۳۲ صفت (۵۶/۵۵ درصد): مطلق (ساده): ۵۲ صفت (۱۵/۶۶ درصد) // فاعلی: ۱۹۶ صفت (۵۹/۰۳ درصد) // مفعولی: ۵۹ صفت (۱۷/۷۷ درصد) // نسبی: ۲۵ صفت (۷/۵۳ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جاندار - انسان (جزء): ۲۸ صفت (۴/۷۷ درصد): مطلق (ساده): ۸ صفت (۲۵/۵۷ درصد) // فاعلی: ۵ صفت (۱۷/۸۵ درصد) // مفعولی: ۱۰ صفت (۳۵/۷۱ درصد) // نسبی: ۵ صفت (۱۷/۸۵ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جاندار - مشترک بین انسان و حیوان: ۱۲۸ صفت (۲۱/۸۰ درصد): مطلق (ساده): ۳۸ صفت (۲۹/۶۸ درصد) // فاعلی: ۴۶ صفت (۳۵/۳۹ درصد) // مفعولی: ۳۶ صفت (۲۸/۱۲ درصد) // نسبی: ۸ صفت (۶/۲۵ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- نباتات (گیاهان مختلف): ۷ صفت (۱/۱۹ درصد): مطلق (ساده): ۲ صفت (۲۸/۵۷ درصد) // فاعلی: ۰ صفت (۰ درصد) // مفعولی: ۵ صفت (۷۱/۴۲ درصد) // نسبی: ۰ صفت (۰ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).
- جمادات: ۹۲ صفت (۱۵/۶۷ درصد): مطلق (ساده): ۱۶ صفت (۱۷/۳۹ درصد) // فاعلی: ۳ صفت (۳/۲۶ درصد) // مفعولی: ۲۵ صفت (۲۷/۱۷ درصد) // نسبی: ۴۸ صفت (۵۲/۱۷ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

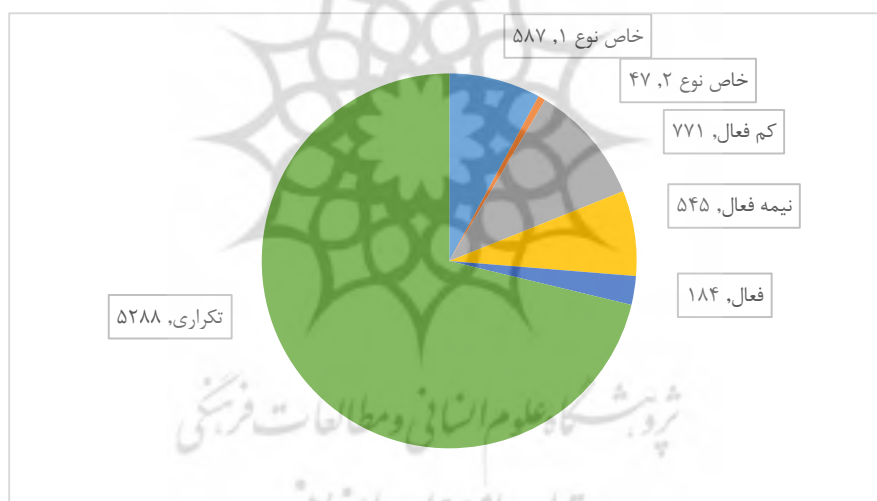
خاص نوع ۲: ۴۷ صفت (۲/۲۰ درصد): مطلق (ساده): ۱۷ صفت (۳۶/۱۷ درصد) //

فاعلی: ۵ صفت (۱۰/۶۳ درصد) // مفعولی: ۸ صفت (۱۷/۰۲ درصد) // نسبی: ۱۷ صفت (۳۶/۱۷ درصد) // لیاقت: ۰ صفت (۰ درصد).

عام کم فعال: ۷۷۱ صفت (۳۶/۱۹ درصد): مطلق (ساده): ۲۱۳ صفت (۲۷/۶۲ درصد) / فاعلی: ۱۱۲ صفت (۱۴/۵۲ درصد) / مفعولی: ۱۷۵ صفت (۲۲/۶۹ درصد) / نسبی: ۲۴۹ صفت (۳۲/۲۹ درصد) / لیاقت: ۲۲ صفت (۲/۸۵ درصد).

عام نیمه فعال: ۵۴۵ صفت (۲۵/۸۵ درصد): مطلق (ساده): ۲۲۱ صفت (۴۰/۵۵ درصد) / فاعلی: ۷۳ صفت (۱۳/۳۹ درصد) / مفعولی: ۸۵ صفت (۱۵/۵۹ درصد) / نسبی: ۱۶۳ صفت (۲۹/۹۰ درصد) / لیاقت: ۳ صفت (۰/۵۵ درصد).

عام فعال: ۱۸۴ صفت (۸/۶۳ درصد): مطلق (ساده): ۱۲۶ صفت (۶۸/۴۷ درصد) / فاعلی: ۲۴ صفت (۱۳/۰۴ درصد) / مفعولی: ۹ صفت (۴/۸۹ درصد) / نسبی: ۲۴ صفت (۱۳/۰۴ درصد) / لیاقت: ۱ صفت (۰/۵۴ درصد).



نمودار تقسیم‌بندی مجموع صفات سه رمان به خاص و عام

آنچه در تقسیم‌بندی این سه رمان مشخص شد این بود که صفات بیانی فاعلی در اغلب موارد با اسامی (موصوف‌ها) کنشگر و دارای اراده و اختیار و دارنده مشخصه عقل و تفکر همراه می‌شوند و ترکیب وصفی می‌سازند و صفات مفعولی در اغلب موارد همراه با اسامی کنش‌پذیر و بدون اراده و اختیار که بیشتر شامل حوزه معنایی جمادات می‌شوند، می‌آیند؛ صفات نسبی نیز زمانی که مفهوم جنسیت را برسانند اغلب مخصوص

موصوف‌های حوزه معنایی جمادات هستند. همچنین در میان صفات استخراج شده صفات خاص نوع ۲ سهم اندکی را در میان صفات به خود اختصاص داده‌اند. صفات عام فعال نیز با توجه به نمودار بالا و اطلاعات آماری در این سه رمان به نسبت دو گروه دیگر سهم کمتری دارد و بر اساس داده‌های ارائه شده، صفاتی از قبیل: صفت اشاره، صفت مبهم، صفات شمارشی و... که با همه اسمی (موصوف‌ها) زبان فارسی همراه می‌شوند و ترکیب وصفی می‌سازند، زیر مجموعه صفات عام فعال به شمار می‌آیند.



نتیجه

با بررسی کتاب‌های دستور زبان فارسی در مورد مقوله صفت متوجه می‌شویم که تقسیم‌بندی صفت اغلب از سه منظر مورد توجه است؛ از نظر ساختمان به «ساده، مشتق، مرکب و مشتق-مرکب» و از نظر تقدم و تأخر به «پسین و پیشین» و از حیث معنایی به «مطلق (ساده)، فاعلی، مفعولی، نسبی و لیاقت»؛ با توجه به این که در تقسیم‌بندی صفت در کتاب‌های دستور زبان فارسی به تقسیم صفت از جهت اختصاص یا عدم اختصاص به موصوف مطلبی ذکر نشده است، در این پژوهش تقسیم‌بندی جدیدی از صفت از نظر اختصاص یا عمومیت صفت انجام شد که در این تقسیم‌بندی صفت به دو نوع «خاص» و «عام» تقسیم می‌شود. از نظر اختصاص صفت به حوزه معنایی خاص یا واژه‌ای (موصوف) خاص «صفت خاص» به دو نوع صفت «خاص نوع ۱» و «خاص نوع ۲» تقسیم می‌شود. همچنین از نظر دامنه عمومیت «صفت عام» به موصوف‌های مختلف، صفت عام به سه دسته «عام کم فعال»، «عام نیمه فعال» و «عام فعال» تقسیم می‌شود.

بسامد صفات خاص به ویژه خاص نوع ۲ در مقایسه با صفات عام به مراتب کمتر است. همچنین در میان صفات عام، صفت عام فعال به نسبت عام کم فعال و نیمه فعال از بسامد کمتری برخوردار است. با توجه به آمار ارائه شده، صفت فاعلی درصد بیشتری در میان صفات خاص (جاندار-انسان) (کل) به خود اختصاص داده است که بیانگر این موضوع است که بیشتر صفات فاعلی به موصوف‌های کنشگر و زنده اختصاص می‌یابند؛ به عبارتی صفاتی که مفهوم اراده و اختیار را دربردارند، به موصوف‌های کنشگر اختصاص دارند. صفات مفعولی نیز غالباً به موصوف‌های کنش‌پذیر اختصاص می‌یابند و در بیشتر موارد هم به موصوف غیرجاندار اضافه می‌شوند، اما زمانی که موصوف جاندار هم در معنی مفعولی قرار گیرد، به آن نیز تعلق می‌گیرند. صفات نسبی اغلب به صفات غیرجاندار اضافه می‌شوند؛ البته درصدی نیز به جانداران تعلق می‌گیرند. صفات نسبی مخصوصاً زمانی که مفهوم جنسیت را برسانند اکثراً به حوزه معنایی جمادات اختصاص می‌یابند. صفت

اشاره، صفت مبهم، عدد و... به تمام موصوف‌ها اعم از جاندار و غیرجاندار اضافه می‌شوند. با گذر زمان و استعمال زیاد صفات خاص عاریه‌ای برای موصوف‌های دیگر، برخی از این صفات در زبان معیار همراه موصوف‌های دیگر نیز می‌آیند و در واقع از صفت خاص بودن به صفت عام تبدیل می‌شوند.

پی‌نوشت

۱. مثال‌هایی از ترکیبات وصفی رمان سمفونی مردگان: کانال‌های به‌هم‌پیوسته (معروفی، ۱۳۹۶: ۱۲)، راه شیبیدار (همان: ۷۱)، زن مو طلایی (همان: ۱۸۸)، احترام فوق‌العاده (همان: ۲۰۴)، بازار مکاره (همان: ۲۱۳)، صندلی عقب (همان: ۳۱۵)، چشم‌های گرسنه (همان: ۳۴۲).
۲. مثال‌هایی از ترکیبات وصفی رمان سووشون: تازه به‌دوران‌رسیده (دانشور، ۱۳۴۹: ۲۵)، شکست غرورآمیز (همان: ۳۵)، دست پر رگ (همان: ۴۲)، نفس عمیق (همان: ۸۰)، قابله هم‌ولایتی (همان: ۱۰۰)، آب ولرم (همان: ۱۶۰)، کامیون‌های حامل (همان: ۱۸۶)، دستور کتبی (همان: ۲۵۰).
۳. مثال‌هایی از ترکیبات وصفی رمان چشم‌هایش: رژیم دیکتاتوری (علوی، ۱۳۹۶: ۶)، خنده تصنعی (همان: ۳۶)، قسمت عمده (همان: ۱۶۵)، جواب قطعی (همان: ۲۴۱)، (مردم آزادی‌خواه: ۲۴۴)، اثر ادبی (همان: ۲۵۸)، نکته‌های بغرنج (همان: ۲۶۳).

منابع و مآخذ

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی. (۱۳۷۳). **دستور زبان فارسی ۲**. چاپ نهم. تهران: فاطمی.
- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۴۷). **دستور زبان فارسی**. چاپ ششم. تبریز: شفق.
- دانشور، سیمین. (۱۳۴۹). **سووشون**. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- علوی، بزرگک. (۱۳۹۶). **چشم‌هایش**. تهران: نگاه.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۹۲). **دستور مفصل امروز**. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- مختار عمر، احمد. (۱۳۸۵). **معنا شناسی**. ترجمه سیدحسین سیدی. چاپ اول. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- معروفی، عباس. (۱۳۹۶). **سمفونی مردگان**. تهران: ققنوس.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۸۴). **دستور زبان فارسی**. چاپ بیستم. تهران: توس.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. (۱۳۸۲). **دستور زبان فارسی ۱**. چاپ چهارم. تهران: سمت.
- وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۲). **دستور توصیفی، بر اساس واحدهای زبان فارسی**. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۵). **دستور زبان فارسی ۱**. چاپ اول. تهران: علمی.
- هالیدی، مایکل و رقیه حسن. (۱۳۹۳). **زبان، بافت، متن؛ جنبه‌های زبان در چشم‌انداز اجتماعی نشانه‌شناختی**. ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی. تهران: علمی.

References

- 'Alavi, B. (2017). Chashmhayash . Tehran: Negah.
- Anvari, H. & H. Ahmadi Givi. (1994). Dastoor-e Zaban-e Farsi 2. 9th Edition. Tehran: Fatemi.
- Daneshvar, S. (1970). Sovashoon. 2th Edition. Tehran: Kharazmi.
- Farshidvard, Kh. (2013). Dastoor-e Mofassal. 4th Edition. Tehran: Sokhan.
- Halliday, M. & . R. Hasan. (2014). Zaban, Baft, Matn. Janbehaye Zaban dar Chashmandaz-e Ejtema'i-ye Neshanehshenakhti. Tarjome-ye Mojtaba Monshizade & Tahere Ishani. Tehran: 'Elmi.
- Khayyampoor, 'A.R. (1968). Dastoor-e Zaban –e Farsi. 6th Edition. Tabriz: Shafagh.
- Ma'roofi, 'A. (2017). Samfooni-ye Mordegan. Tehran: Ghoghnoos.
- Mokhtar 'Omar, A. (2006). Ma'na Shenasi. Tarjome-ye Seyyed Hosein Seyyedi. First Edition. Mashhad: Daneshgah-e Ferdowsi Mashhad.
- Natel Khanlari, P. (2005). Dastoor-e Zaban –e Farsi. 20th Edition. Tehran: Toos.
- Vafayi, 'A.'A. (2013). Dastoor-e Towsifi, bar Asas-e Vahedhaye Zaban–e Farsi. Tehran: Sokhan.
- (2016). Dastoor-e Zaban–e Farsi 1. First Edition. Tehran: 'Elmi.
- Vahidian Kamyar, T. & Gh. 'Omran. (2006). Dastoor-e Zaban–e Farsi 1. 4th Edition. Tehran: Samt.